

خبر

یادداشت: الزامات پویایی دانشجویان

محمدرضا عارف

مأموریت اصلی و نقش کلیدی برای فعالین جنبش دانشجویی همچنان که به‌درستی ایفا شده است، آزادیخواهی، آرمانگرایی، پرسشگری و اصلاح‌گری جامعه است تا بدون آنکه آلوده مناسبات قدرت و سهم‌خواهی شوند، چشم ناظر و نماینده مردم باشند برای اصلاح و درستی انجام امور. باید علاوه بر روشنگری و بیداری جامعه، صدای مطالبات مردم باشند تا محرومیت‌زدایی، توسعه و پیشرفت همه‌جانبه کشور و اصلاح‌گری همچنان به پیش رود. تحقق مستمر این مأموریت و عهدداربودن این نقش، تمرینی است برای آموختن مهارت‌های کلیدی همچون تعامل با یکدیگر، نقد منصفانه، اخلاق‌ورزی و رشد جمعی مبتنی بر حفظ منافع ملی. این مهارت‌ها، همان سرمایه‌ای است که برای مدیریت جامعه و نهادهای خصوصی و دولتی در آینده نزدیک به دست فعالین صالح این جنبش به ثمر خواهد نشست.

کیتان

سر مقاله: «اباحی‌گری هنر نیست»

حسین شمسیان

آفت‌تئوری پردازی و اظهارنظر در همه‌امور در سال‌های گذشته هم گریبان برخی مقامات اجرایی را گرفته و باعث شده بود که عدای به‌جای پرداختن به وظیفه اصلی خود یعنی اجرای قانون، به دنبال تئوری پردازی‌های عجیب و غریب بروند که سوگمندها باید گفت اغلب این نظریات حرف «دیگران» بود که از زبان مقامات رسمی کشور بیان می‌شد!همین نظریه به موارد مشابه قبلی آن – که بر خلاف نصوص صریح دینی و نظریات امام راحل و رهبر معظم انقلاب است – در مقامی آثار زیانباری را در پی داشته و واکنش‌هایی را برانگیخته…مناسفانه در اثر غفلت از اجرای قانون و عدم پایبندی عملی به موازین اسلام در سال‌های گذشته و با سیاست مذموم و غیردینی «راضی‌نگه‌داشتن همه» شاهد انیم که آثار ویرانگر و مخربی به اسم هنر و فرهنگ روانه اجتماع شده و امروز به‌جای آنکه بر اجرای قانون و پایمردی برسوندی که برای پاسداری از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب خورده شده تأکید شود، از رفع چتر امنیتی حوزه فرهنگ سخن گفته می‌شود؟!فراموش نکنیم که انتخابات چند ماه قبل تمام شده است!

راستی

سر مقاله: «بایدها و نبایدهای روحانی»

امیر محبیان

دولت دکتر روحانی برای مدیریت برداشت مردم و نخبگان برای کاستن از تبعات اقدام مذکور چه می‌تواند انجام دهد؟

۱- مانع اظهارنظر‌های ناسنجیده بعضی از مشاوران شده و با ذکر این که «این سخنان موضع دولت و شخص دکتر روحانی نیست» از آشار و تبعات منفی آن فاصله بگیرد.

۲- برای اتخاذ مسیری سیرانه، ترکیب مشاوران رییس‌جمهور باید متشکل از معتدلین و عقل‌پیشگان و متوجح باشد؛ لذا از ترکیب مشاوران باید با تصویر مطلوب مورد نظر همخوان باشد. مشاوران تندرو و کینه‌جو می‌خواهند با دست روحانی انتقام بگیرند که طبعاً با نفع و شخصیت دکتر روحانی همخوان نیست.

۳- در مواجهه با پیشهاد دکتر احمدی‌نژاد بر بند آخر تأکید گردیده و از پیشنهادهای همراهی وی در پیشبرد امور استقبال شده و اعلام گردد «دولت از همراهی و تجربه همه دولت‌های پیشین استقبال کرده و رییس‌جمهور نشست‌هایی را در این زمینه با روسای دولت‌های پیشین برقرار خواهد کرد». بدینوسیله موضع تهاجمی منظره را به موضع خرمندانه و آرام گفت‌وگو تغییر داده و تصویری مثبت و مطلوب از خود آرایه خواهد داد.

قانون

یادداشت: «به باور مردم دستبدر زدند»

مرتضی گلیور

هم‌طور که مدبران دولت روحانی اعلام کرده‌اند، شاید ترمیم اقتصاد کشور در دو یا چهار سال ممکن باشد، اما ترمیم باور مردم به سلامت مدیران و دولت به سال‌ها زمان و تلاش نیاز دارد. دولتی که هشت‌سال فریادهای گوش‌خراش و دهن‌پرکن خود، مدعی بود می‌خواهد از فاصله غنی و فقیر بکاهد، عمداً ایفا قرا را به یأس تلخ بدل کرد. زیرا فقط در یک مورد، کارگزاران دولت‌های نهم و دهم به سرمایه‌های سازمانی که مختص کارگران و کارمندان است، چوب حراج زدند. آنان تقریباً هر کس که دم دستشان بود را نمک‌گیر خود خوان کردند. در یک نمونه انتشار بخشی از این اسناد که مشخص کرد ۲۷ نماینده از مرتضوی کمک‌های دو تا پنج‌میلیون تومانی دریافت کرده‌اند، نشان می‌دهد که چرادر نظر احمدی‌نژاد مجلس دیگر در راس امور نبود. پس از انتشار این اخبار، آنچه عجیب خواهد بود، این است که احمدی‌نژاد همچنان دولت خود را پاک‌ترین دولت تاریخ بداند. باوجود این، باید قبول کنیم که مساله ما دیگر نباید احمدی‌نژاد باشد. احمدی‌نژاد نماینده یک تفکر غلط و بدون نظارت در اداره امورات کشور است. زیرا احمدی‌نژاد یک ایرانی است و ایرانی‌ای پس از کشف نفت، به رات و بول‌های بادآورده خود کرده‌اند. مرتضوی و احمدی‌نژاد، فقط این بول‌ها را سادتر پخش کردند.

ایران

«اغراق درباره برکناری کارشناسان انرژی اتمی»

نماینده مردم نطنز در مجلس ... محمد فروزری به ایرنا گفت: تا جایی که اطلاع دارم کسی از سازمان انرژی اتمی اخراج نشده است، شاید مواردی از جابه‌جایی باشد اما اینکه کسی اخراج شده باشد یا از پهره علمی و دانش آنها استفاده نشود، اینگونه نبوده است.



پیرمرد آفریقایی با لبی خندان بر صفحه یک روزنامه‌های جهان نقش بسته است، چپ و راست ندارد. معتبر و غیرمعتبر ندارد. از مشهورترین روزنامه‌های انگلیسی و آمریکایی و... گرفته تا بولتن‌های محلی و روزنامه‌های پیش پا افتاده چندسیتی، خبر در گذشت پیرمرد آفریقایی را در صفحه یک خود منتشر کرده‌اند؛ تمام‌صفحه سبمل اعتراض، مقاومت، صلح و آزادیخواهی آفریقا و جهان، تیتیر یک روزنامه‌های جهان شده است.

واشنگتن پست: التیام‌بخش یک ملت در گذشت

روزنامه معتبر آمریکایی واشنگتن‌پست از نلسون ماندلا، رییس‌جمهور سال‌های گذشته آفریقایی جنوبی با عنوان «التیامبخش و شفافبخش یک ملت» نام برده است. واژه التیامبخش، به‌خوبی مفهوم آفریقا را شرح می‌دهد. التیامبخش انگ ماندلاست. شهروندی سیاه که علیه آپارتاید موضع گرفت؛ زندانی شد، آپارتاید را شکست داد، محبوب شد و به ریاست‌جمهوری کشورش رسید و بی‌هیج اما و اگر و بر اساس قانون از قدرت دست کشید و سرانجام مثل هر فرد دیگری مُرده در نهایت محبوبیت و مقبولیت، واشنگتن‌پست در تیتیر یکی از یادداشت‌های صفحه یک خود که درباره ماندلاست، بازی جالبی با کلمات هم‌آهنگ پرزینسر (زندانی) و پرزیندت

معصومه‌احمدیان: ماندلا با مبارزات خستگی‌ناپذیر خود، بدون فریاد، آزادیخواهی را فریاد زد. دشمنان خود را بخشید و از تمام زندها خواست برای دستیابی به آشتی ملی همکاری کنند. ماندلا مظهر صلح است و باید از میراث گرانبهای او برای همیشه محافظت کرد. ماندلا یک الهام‌بر برای کل بشریت است.

۱۹۱۸- تولد یک رهبر

● «ارولی هالاهلا» در یک روستای کوچک واقع در تپه‌های دامغه شرقی آفریقایی جنوبی به دنیا آمد. در آن دوران، انتخاب نام‌های مسیحی برای دانش‌آموزان، به دلیل سهولت تلفظ آنها رایج بود. از این رو، نام «نلسون» توسط معلم مدرسه‌اش برای ماندلا انتخاب شد. در آفریقایی جنوبی، ماندلا را به نشانه احترام، با نام قبیله‌ای اش «مادیبا» می‌خوانند.

۱۹۳۹- تحصیلات و شروع فعالیت علیه آپارتاید

● ماندلا به دانشگاه «فورته‌بر» که یکی از معدود امکانات موجود برای تحصیل در آفریقایی سیاه آن زمان بود، وارد شد اما بعد از اینکه در یک اعتصاب شرکت کرد، از دانشگاه اخراج شد.

۱۹۴۴- درگیری سیاسی

● ماندلا به کنگره ملی آفریقا پیوست. این شروع یک تعهد مادام‌العمر برای شکستن قیدوبندهای تبعیضی نژادی در آفریقایی جنوبی بود. در همان سال ماندلا با «اولین» ازدواج کرد.

۱۹۵۲- ایستادگی بدون خشونت

● ماندلا یک کمپین تازه‌ناسیس به نام «اعتراض به قوانین غیرمنصفانه» را رهبری می‌کرد. در این پهره، فعالیت‌های او بدون خشونت و مبارزت مسلحانه بود.

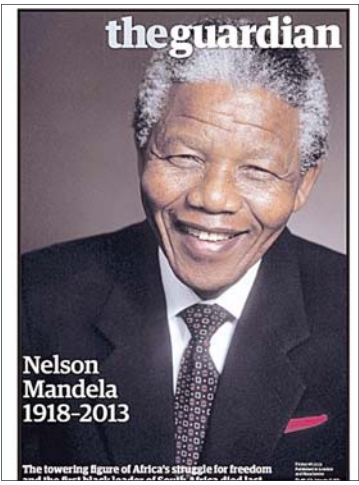
من کمونیست نیستم اما غیر از آنها هیچ کم نفهمید که ما چه می‌گوییم.

ماندلا در کتاب «راه دشوار آزادی» می‌نویسد: همیشه کسانی وجود دارند که می‌گویند کمونیست‌ها ما را استفاده کرده‌اند اما چه کسی است که بگوید ما از کمونیست‌ها استفاده نمی‌کنیم؟ رپوئنیه دادگاهی که آفریقایی جنوبی را متحول کرد؛ در آوریل ۱۹۶۴ نلسون ماندلا و ۱۰ نفر از دیگر مخالفان برجسته در این دادگاه برای زندگیشان جینگندگی ماندلا و دیگر رهبران اگرچه در دادگاهی در حومه ژوهانسبورگ به نام «دادگاه رپوئیه» به جرم خرابکاری و توطئه متهم شدند اما با ایسن حال ماندلا در این دادگاه دفاعی از خود کرد که

شاید این همان تعریفی باشد که کمتر کشور آفریقایی به آن رسیده است. همان‌طور که قذافی‌ها، مبارک‌ها و موگابه‌ها به آن نرسیدند...

شاید به دلیل همین تلقی از صلح بود که به‌رغم محبوبیت، بعد از پایان دوران ریاست‌جمهوری‌اش کنار کشید و دیگر در عرصه قدرت نماند. موگابه اما ماند و می‌ماند تا شاید به سرنوشت قذافی‌ها دچار شود و شاید هم نه، سرنوشتی بدتر... نلسون اما ترجیح داد یک شهروند – سیاستمدار محبوب باشد تا یک دیکتاتور مشهور. هر دو در آفریقا بزرگ شدند. اما یکی موگابه است که تعریفش از دموکراسی و دیپلماسی، ماندن برای هفتمین دور پیایی در قدرت است حتی با توسل به زور و نارضایتی ملتش و دیگری ماندلا... یکی تعریفش از منتقدان «یک نقطه ریز روی کره زمین» است و دیگری باور دارد «زندگی ما ممکن است ظرف تنها چند ساعت توسط کسانی که حتی آنها را نمی‌شناسیم تغییر یابد».

آزادی، به احترام گذاشتن به آزادی دیگران هم نیاز



نلسون ماندلا در صفحه یک روزنامه‌های جهان

خدا حافظی با پیر مرد خندان

سحر طلوعی

در گذشت، روزنامه چپگرای انگلیس، گاردین علاوه بر این جمله، اظهارات «جاکوب زوما» رییس‌جمهور حال حاضر آفریقایی جنوبی هنگام انتشار خبر در گذشت ماندلا را در صفحه یک خود منتشر کرده است: «ملت ما فرزند کبیر خود را از دست داده است.» گاردین جز این چند خط هیچ چیز دیگر در صفحه یک خود ندارد، نه عکس و نه خبر دیگری. گاردین تمام‌صفحه عکس یک واشنگتن‌پست با مخاطبیش حرف می‌زند. گزارش مفصلی از واکنش‌های ابتدایی به در گذشت ماندلا در صفحه یک واشنگتن پست منتشر شده‌است.

گاردین: نلسون ماندلا ۲۰۱۳-۱۹۱۸

اچهره رفیع مبارزه برای آزادی آفریقا و نخستین رییس‌جمهور سیاهپوست آفریقایی جنوبی، در ۹۵سالگی

گاه‌شمار زندگی «مادیبا»

۱۹۵۶- اتهام خیانت

● به ماندلا و ۱۵۵ فعال سیاسی دیگر اتهام خیانت علیه دولت زده شد. محاکمه او پنج سال به طول انجامید و تحقیقات جز تیره‌نداشت.

۱۹۵۸- ازدواج با «وینی»

● بعد از جدایی از «اولین»، ماندلا با «وینی» که یک مددکار اجتماعی بود، ازدواج کرد. «وینی» بعدها نقش مهمی در آزادی او از زندان داشت اما سرانجام در سال ۱۹۹۶ از یکدیگر جدا شدند.

۱۹۶۰- غیرقانونی اعلام‌شدن کنگره ملی آفریقا

● پس از اینکه پلیس، تظاهرکنندگان را در شهرک سیاه‌پوست‌نشین «شارپویل» به گلوله بست، کنگره ملی آفریقا غیرقانونی اعلام شد و در پی انحلال کنگره، ماندلا و دیگر اعضای این سازمان، به‌صورت زیرزمینی به فعالیت‌های خود پرداختند و مبارزه علیه آپارتاید شدت گرفت.

۱۹۶۱- جنگ مسلحانه علیه آپارتاید

● ماندلا برای آموزش‌دین جنگ‌های چرکی و پارتیزانی به اروپا سفر کرد. او با گروهی که برای مبارزه مسلحانه علیه آپارتاید سازماندهی می‌شدند، همراه شد.

۱۹۶۴- ۱۹۶۲- محکومیت زندان

● وقتی در سال ۱۹۶۲ ماندلا به آفریقایی جنوبی بازگشت، دستگیر و به جرم «خروج غیرقانونی از کشور» و «تحریک به اعتصاب» به پنج سال زندان محکوم شد اما دو سال بعد محکومیت او به حبس ابد تبدیل و به زندانی در جزیره «روبن» فرستاده شد.

آپارتاید سیاه جایگزین آپارتاید سفید

تانیا تجلی

نیز بودام، اشخاصی همچون گاندی، نهرو و ناصر، همه ما شکی از سوسیالیسم را که مردم را قادر سازد تا به کشورهای پیشرفته برسند و بر فقر شدید غلبه کنند را قبول داریم اما این به این‌معنا نیست که ما مارکسیست هستیم. وظیفه اصلی ما در حال حاضر حذف تبعیض نژادی و دستیابی به حقوق دموکراتیک براساس منشور آزادی است. ما از خواندن اینیات مارکسیستی و گفت‌وگو بامارکسیست‌ها به این نتیجه رسیدیم که کمونیست‌ها سیستم پارلمانی غرب را غیردموکراتیک و ارتجاعی می‌دانند. اما من این سیستم را



فیگارو: در گذشت نلسون ماندلا

فیگاروی راست‌گرای فرانسه هم در صفحه‌یک خود به در گذشت رییس‌جمهور سابق آفریقایی جنوبی پرداخته، اما با سردی تمام. تنها خبر داده و دیگر هیچ. تنها زیر عکس یک چند جمله‌ای از متن جاکوب زوما، رییس‌جمهور حال حاضر آفریقایی جنوبی برای در گذشت ماندلا را منتشر کرده است.

عکس یک فیگارو، ماندلا را در حال سلام نظامی نشان می‌دهد. **سیتیزنز وِیس: مرگ یک شمایل** «سیتیزنز وِیس» یکی از همان روزنامه‌های چندسیتی و گمنام محلی آمریکایی است. روزنامه‌ای که در ایالت‌غربی و کم‌سروصدای آمریکا یعنی وایومینگ منتشر می‌شود. اما در تیتیر و عکس، بسیار پرشورتر و حساس‌تر از روزنامه‌ای معتبر مثل فیگارو عمل کرده است. «سیتیزنز وِیس» از ماندلا به‌عنوان شمایل یا اسطوره نام برده است؛ مرگ یک شمایل مثل عکس دیگر روزنامه‌ها، ماندلا در این عکس هم در حال خنده است. البته سمعک ماندلا در این عکس به‌خوبی معلوم است. اینکه روزنامه‌های گمنام و محلی هم به خبر در گذشت پیرمرد آفریقایی توجه کرده‌اند، نشان از بزرگی و تأثیرگذاری نلسون ماندلا دارد.

سفرهای جهانی و دیدار با رهبران کشورهای مختلف پرداخت و جوایز متعددی دریافت کرد.

۲۰۰۵- فعالیت علیه ایدز

● باوجود اینکه صحبت درباره ایدز در آفریقایی جنوبی آن سال‌ها، هیچ تابلو بود، ماندلا با شجاعت اعلام کرد که مرگ پسرش در اثر بیماری ایدز بوده و از مرمنش خواست درباره ایدز صحبت و تحقیق کنند تا به یک بیماری شناخته‌شده تبدیل شود و بتوان با آن مبارزه کرد.

۲۰۰۹- روز «ماندلا»

● سازمان ملل، ۱۸ جولای، روز تولد ماندلا را «روز ماندلا» نام نهاد و هم‌اکنون تولد او، در تقویم‌های بین‌المللی، به نام «روز ماندلا» ثبت شده است. در سپتامبر همین سال کلینت ایستود کارگردان هالیوود، فیلم «اشکست‌ناپذیر» را براساس زندگی و مبارزات او ساخت.

۲۰۱۰- کتاب ماندلا

● تجربیات غیرعادی و عجیب زندگی ماندلا در کتابی با نام «گفت‌وگو با خود» براساس خاطرات و نامه‌های شخصی او در دوران زندان، گردآوری و منتشر شد.

۲۰۱۳- تولد ۹۵سالگی

● ۱۸ جولای امسال، دنیا تولد ۹۵سالگی ماندلا را جشن گرفت. باوجود اینکه او در بیمارستانی بستری بود، مردم با اهدای گل و روشن کردن شمع روبروی درب بیمارستان، از او قدردانی کرده و تولدش را تبریک گفتند.

۲۰۱۳- ماندلا در آرامش

● بالاخره ماندلا در ۹۵سالگی در ژوهانسبورگ در گذشت. رییس‌جمهور آفریقایی جنوبی در بنیادهای تلویزیونی اعلام کرد: «ملت ما پدر خود را از دست داد»

ستایش می‌کنم؛ کمونیست‌ها همواره نقش فعالی در مبارزات استعماری در کشورهای همچون مالایا، الجزایر و اندونزی ایفا کرده‌اند اما هیچ کدام از آنها امروز کشورهای کمونیستی نیستند. اینها تنها گوشه‌ای از آرمان‌های ماندلا بود که ۲۷سال برایش جنگید. جنگید و جنگید در سلول، تنها تنهای تنها. اینکه آفریقایی جنوبی پس از سرنگونی رژیم آپارتاید، پس از به‌قدرت رسیدن کنگره ملی آفریقا، پس از تسخیر کرسی ریاست‌جمهوری، تا چه حد، آرمان‌هایش را به واقعیت فروخته، تا کجا «ستایش از سیستم پارلمانی» را با افعال آن بر آفریقایی هاشده، تعویض کرده و چگونه از کشوری تحت آپارتاید سفید به مملکتی با آپارتایدی جدید، آپارتاید سیاهان، بدل شد، بحث دیگری است. ماندلا اگر دو بار دیگر در راه مبارزه علیه رژیم آپارتاید به یامی خاست.

ماندلا رفت تا جاودانه شود

ای ماندلا، این تو و معدود کسان دیگری مانند تو، مانند مارتین لوتر کینگ، در پس این میله‌ها، بودید که مرا، و همانند من را، در کشور خودت و در کشورهای دیگر از آن بند و میله‌های نامریی برده‌نباری رها کردید و دست من را گرفتید و از دانشگاه هاروارد به فرمانداری و سناتور و ریاست‌جمهوری کشوری رساندید. در زمان حیات خودم حتی حق نداشتم در اتوبوس در حضور و در کنار سفیدها بنشینم. در میان دغا‌های رقص گونه همشهرباش، آنچه بیش از همه به گوش می‌خورد سیاست‌گزاری بود. می‌گفتند، ماندلا متشکرم! به نیت خودشان و باصمیمیتی رفت‌انگیز به فراز تپه آمده و بر خاک زانو زده بودند و برایش دعا می‌کردند. ماندلا می پس از مدتی ریاست‌جمهوری و تحکیم دستاوردهایش که با دست‌نشان در رییس‌جمهور پیشین آغاز شد که اکنون از رنج‌دهنداش به معاونش تبدیل شده بود و در زمانی دیگر با درک اینکه اکنون زمان رفتنش فرا رسیده است، رفت و منزل به دیگری پرداخت، منزل قدرت را شیرینی اعتیادآوری را که دیدیم چگونه قذافی‌ها، حسنی مبارک‌ها و بن‌علی‌ها تا پای جان و وزیرانی کشورهايش دست از آن نستندند و یک‌راز بزرگ محبوبیت و احترامش همین بزرگواری و گذشت بوده قدرت را وناهاده، اما برنده عشق و احترامی جهانی شد.

نگاه

در نگویش یک قدیس



« سودابه رخش

● در مورد «ماندلا» زیاد نوشته‌اند؛ رهبر مبارزه با آپارتاید و مبارز مانای راه آزادی که حقوق بشر را ارتقا داد و آفریقایی چندنژادی را برای همه شهروندايش - فارغ از رنگ پوستشان - جای بهتری کرد. اما اگر احساسات قهرمان‌پرورانه‌مان را کنار بگذاریم و واقعیت‌بانه به کارنامه ماندلا نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که او - حتی به گواه خودش - قدیس نیست. او مرد بزرگی است و افراد نادری مثل او ظرفیتی باورنکردنی برای الهای خوشبینی به مردم و افزایش همبستگی اجتماعی دارند. او هیچ‌کس نمی‌تواند از دستاوردهای ماندلا به‌عنوان یک شخصیت سیاسی بکاهد. ماندلا احتمالاً شناخته‌شده‌ترین رهبر سیاسی جهان است. در دوره درگیری‌های قومی، مذهبی و قبیله‌ای، جامع بسیاری آرزو می‌کنند که شخصیتی مانند ماندلا داشته باشند تا با آلتا به او متحد شده و در راه هفشان ایستادگی کنند. همه اینها درست است، اما اینها تنها بخشی از خصوصیات ماندلاست. شاید رویکردهای اخلاقی او قوی‌تر از توانایی‌اش در رسیدن به اهداف سیاسی‌اش بود. بسیاری بر این باورند که او ذی‌نفع بافت اجتماعی و شرایط تاریخی آفریقا بود و همدستان مهمی داشت که او را تبدیل به یک قهرمان کردند. اشتباهات تاکتیکی و استراتژیک او در راهاندازی کنگره ملی آفریقا و به نوبی‌هی او به ابتدایی‌ترین ملاحظات امنیتی تنها بخشی از اشتباهات او در عرصه سیاسی است. ناسازگاری و تناقض در سیاست خارجی ماندلا را هم نباید فراموش کرد. او نقش تعیین‌کننده‌ای در ترویج برنامه‌های حقوق بشری در آفریقا بازی کرد اما هم‌زمان سوهار تو، دیکتاتور اندونزی را به خاطر کمک‌های مالی‌اش به کنگره ملی آفریقا تحسین می‌کرد. درباره نوع حکومت‌داری ماندلا نیز نقدهایی وجود دارد. می‌گویند ماندلا به‌عنوان یک رییس‌جمهور بیش از حد مستبد بود و نسبت به آن دسته از وزرای کلینشاش که اشتباهات زیادی داشتند و در واقع در ستمشان شکست خورده بودند، زیاد از حد وفادار می‌ماند. حتی نزدیکان ماندلا هم می‌گفتند مردم در دوران حکومت‌داری ماندلا بی‌اعتبارتر شدند و فضای بازی برای انتقادات سازان زیاد آنها وجود نداشته ماندلا با وجود اشتباهات جبران‌ناپذیر برخی وزرایش، همه درخواست‌ها برای تغییر اعضای کلینشاش را رد می‌کرد. منتقدان می‌گویند او بیش از حد روی وحدت تأکید داشته، امری که انتقاد را به‌عنوان مشخصه بارز دموکراسی تقلیل داده بود. حتی انتخاب ماندلا به‌عنوان رهبر حزب کنگره ملی آفریقا هم بحث و جدل‌هایی را به دنبال داشت و حداقل برخی از اعضای حزب کنگره ملی آفریقا ترجیح می‌دادند که یک رقابت آزاد بین ماندلا و کریل رامافوسا برای رهبری این حزب به وجود می‌آمد. با این حال نباید فراموش کرد که او پس از یک دوره ریاست، دولت را به‌طور دلباطلانه واگذار کرد. اما بیشتر از رویکردی سیاسی، سیاست‌های اقتصادی دولت ماندلا مورد نقد است. از لحاظ اقتصادی او توسط نظریات فقرزدمنند در این حوزه محدود شد و هنوز هم نخبگان ثروتمند، کنترل اقتصاد آفریقا را در دست دارند. می‌گویند هر رهبری مجبور است در برخی موارد مصالحه کند و این درگیری ایدئولوژیک معمول را نمی‌توان لزوماً به معنای خلیت به یکپارچگی تلقی کرد. اما مصالحه تا آنجا قابل قبول است که در تضاد با آرمان‌ها و خواست عمومی حامیان یک رهبر و خود او نباشد.

و ماندلا اگرچه در بسیاری موارد بر آرمان‌هایش پافشاری کرد اما در مواردی هم به آنها پشت پا زد. روزی کاسرلیک در تحت فرمان ماندلا جنگید و در ادامه وزیر اطلاعات دولت او شد، به تازگی در کتاب اتوبیوگرافی‌اش به نام «مسلح و خطرناک» سوالی را در مورد نقش ماندلا در صحنه‌گذاشتن بر سیاست‌های اقتصادی تنولیرال مطرح کرده است، سیاستی که افتخار پایان‌دادن به فقر را از دولت او گرفت. او نوشته: «تاریخ قضاوت می‌کند که آیا یک فرصت طلایی برای فشار را در ازای ایجاد امتیازاتی در راه کنترل اقتصادی از دست دایم؟» بررسش قابل‌بحث این است که آیا ماندلا و مشاوران اقتصادی‌اش تحت فشار صندوق بین‌المللی پول و شرکت‌های بزرگ تجاری برای دنبال کردن خط مشی اقتصاد غیرمنصفانه بودند؟ شواهد و قرائن می‌گوید که پاسخ این سوال آری است. آفریقایی جنوبی همچنان در بسیاری جهات، یکی از کشورهای نابرابر جهان است. نابرابری هنوز هم در آفریقا وجود دارد و نباید از این واقعیت تلخ غافل شد که بی‌عدالتی و نابرابری تا کجا «ستایش از سیستم پارلمانی» را با افعال آن بر آفریقایی هاشده، تعویض کرده و چگونه از کشوری تحت آپارتاید سفید به مملکتی با آپارتایدی جدید، آپارتاید سیاهان، بدل شد، بحث دیگری است. ماندلا اگر دو بار دیگر در راه مبارزه علیه رژیم آپارتاید به یامی خاست.

ادامه از صفحه اول

آنان را شرمسار کرد و شرمساری دردناک است؛ درهای دیگر را گذشت زمان یا دارو و درمان آرام می‌کند، اما شرمساری به دلیل بی‌حرمتی، به دلیل بی‌عدالتی، برای مرتکب دربی‌درمان است». یکی، دو روز پیش فیلم سفر آقای لوباما رییس‌جمهور سیاهپوست آمریکا را به آفریقایی جنوبی دیدم که با چه حرمتی به زبانت رزنانه‌ای رفت که ماندلا بخش عمده محکومیت ۲۷ساله‌اش را در آنجا گذرانده بوده به زیارت رفت، زیرا عملکرد قدیسانه ماندلا آن زندان را در آن جزیره دورافتاده به صورت یادمانی مقدس و زیارتگاهی واقعی درآورده که همه به دیدارش می‌روند. خوشن نپس از رسیدن به ریاست‌جمهوری و تحکیم به آنچرا رفت، به دیدار زندانیانش و با او دست داد و خندید، نمی‌دانم آن زندانبان چه احساسی داشت. لوباما داخل سلول کوچک ماندلا رفت، درون آن نشست، در را به روی خودش بست، و میله‌ها را مانند زندانبان چسبید و به حالت خلسه و تاملی ژرف فرو رفت. شاید درک آن برای ما سخت باشد، باید سیاه و آمریکایی باشی، حتی اگر رییس‌جمهور قوی‌ترین کشور جهان باشی، تا معنی آن خلسه و تامل را درک کنی، می‌شد. حدس زد که به چه چیز می‌اندیشید. به این می‌اندیشید که